



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The feasibility of establishing an environmental crime court in Iranian law

Askar Jalalian ^{*1}, Mohammad Akbari ², Seyed Mohammad Hossein Mirkazmi Mood³¹ Associate Professor, Department of low Payame Noor University, Tehran, Iran² Assistant Professor, Islamic Azad University, Zahedan branch, Zahedan, Iran³ PhD student in public law, Islamic Azad University, Zahedan branch, Zahedan, Iran

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History:

Received: 2024/11/2

Revised: 2025/09/3

Accepted: 2025/09/6

Keywords

environment,

environmental crimes,

environmental court,

Iranian domestic law,

environmental law.

Background and Theoretical Foundations: The environment is one of the most important sectors of society, an inseparable part of human life and a highly influential aspect of it. In today's societies, due to technological advancements, humans interfere significantly with the environment, leading to extensive changes in human life and the natural state of the environment. Given the destructive effects and the resulting issues, numerous groups and associations have been formed to prevent such exploitative actions. By enacting and enforcing laws and regulations, it is possible to support and cooperate with these entities.

Methodology: The main question and, indeed, the primary objective of this research is to assess the feasibility of establishing an environmental crimes court in Iran, addressing relevant fields. This research employs a descriptive-analytical approach, drawing upon legal texts and articles.

Findings: Considering that in environmental litigation, granting legal standing to non-governmental organizations to file complaints, initiate lawsuits, present evidence and proof of crime, participate in all stages of criminal proceedings, and ultimately object to judicial rulings represents a major transformation. On one hand, this development addresses one of the existing gaps in Iran's legal system, and on the other hand, it ensures the effective participation of these organizations in the enforcement of environmental norms. Effective participation of such institutions in the criminal process will expand the custodianship of environmental protection from governmental to non-governmental entities.

Conclusion: To establish a specialized judicial institution for addressing environmental crimes, it is essential to have it approved within the legislative framework.

Corresponding author:

a.jalalian@pnu.ac.ir

Doi: 10.52547/joc.16.61.4

ORID: 0000-0003-4971-1543



NUMBER OF TABLES

0



NUMBER OF FIGURES

0



NUMBER OF REFERENCES

25

امکان سنجی تأسیس دادگاه جرائم زیست محیطی در حقوق ایران

عسکر جلالیان^{۱*}، محمد اکبری^۲، سید محمد حسین میرکاظمی مود^۳

۱. دانشیار، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

پیشینه و مبانی نظری پژوهش: محیط زیست یکی از مهمترین بخش‌های جامعه به شمار می‌رود که جزو لاینفک زندگی انسان‌ها و بخشی تاثیر گذار در آن است. در جوامع امروزی به دلیل پیشرفت تکنولوژی، بشر در محیط زیست دخالت‌های فراوانی را می‌کند که منجر به تغییراتی فراوان در زندگی انسان‌ها و شکل طبیعی محیط زیست شده است. با توجه به آثار مخرب آن و مشکلات ایجاد شده، گروه‌ها و تشکل‌های فراوانی در این راستا برای جلوگیری از این اقدامات سودجویانه تشکیل شده‌اند که با تصویب و اجرای قانون‌ها و مصوبات می‌توان در جهت کمک به آنها و همکاری با آنها برآمد.

روش‌شناسی: سوال اصلی و در واقع هدف اصلی تحقیق امکان سنجی تأسیس دادگاه جرایم زیست محیطی در ایران بوده و زمینه‌های مربوطه را مورد بحث قرار می‌دهد. این تحقیق بر روش توصیفی – تحلیلی می‌باشد که با استفاده از متون و مقالات حقوقی تدوین گردیده است.

یافته‌ها: با توجه به اینکه در دادرسی‌های زیست محیطی، اعطای سمت قانونی لازم به سازمان‌های غیردولتی برای اعلام جرم، طرح دعوا، ارایه ادله و مدارک اثبات جرم، شرکت در کلیه مراحل رسیدگی به جرم و در نهایت اعتراض به آرای محاکم، تحولی عمده است که از یک سو رفع یکی از خلاءهای موجود در نظام حقوقی ایران و از سوی دیگر، تضمین مشارکت موثر این سازمان‌ها در اجرای هنجارهای زیست محیطی را موجب می‌شود، مشارکت موثر چنین نهادهایی در فرایند کیفری، گسترش متولیان حفاظت از محیط زیست، از متولیان دولتی به غیر دولتی را در خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: جهت ایجاد یک نهاد تخصصی قضایی برای رسیدگی به جرائم زیست محیطی نیازمند آن هستیم که در نظام قانون گذاری به تصویب برسد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۲

تاریخ بازبینی: ۱۴۰۴/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۲

واژگان کلیدی:

محیط زیست،

جرائم زیست محیطی،

دادگاه زیست محیطی،

حقوق داخلی ایران،

حقوق محیط زیست.

*نویسنده مسئول

a.jalalian@pnu.ac.ir

Doi: 10.52547/joc.16.61.4

ORID: 0000-0003-4971-1543

مقدمه

ید بشر در طبیعت ید امانی است نه مالکانه؛ از مهم ترین حقوق نسل‌های آینده «حق بر محیط زیست» و برخورداری از محیط زیست سالم است. طبیعت و تمام عوامل و عناصر شکل دهنده آن یعنی آب، خاک، باد، انرژی (نور) باید از هرگونه تعرض غیر اصولی و غیرکارشناسی در امان باشند. بر اساس قاعده «ردپای زیستی»؛ هرگونه دخل و تصرف در طبیعت، اثر آن مانا است. بدیهی است این دخل و تصرف هر قدر غیر اصولی‌تر و غیر کارشناسی‌تر باشد اثرات آن مانا تر خواهد بود. طبیعت امانت فرزندان مان و نسل‌های آینده در دست ماست. لذا از منظر حقوقی «ید بشر در طبیعت ید امانی است نه ید مالکانه»؛ پس در امانداری نباید کوتاهی کرد.

از آنجا که عوارض زیست محیطی رونده و فرامرزی هستند کشورها ناگزینند برای مهار آنها به اعمال راهبردهای پیشگیرانه متمسک شوند. در همین راستا با توسل به نگرانی مشترک بین بشریت و توجه دادن به اصل میراث مشترک بشریت و هویدا کردن ضرورت‌های امنیت زیست محیطی، تلاش شده در حوزه حفظ محیط زیست برای همه «مسئولیت مشترک اما متفاوت»؛ به رسمیت شناخته شود.

متأسفانه قوانین زیست محیطی عمدتاً حالت توصیه‌ای دارند و در زمره قوانین نرم قرار دارند. نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورها و عرصه بین الملل نیز با این مشکل مواجه هستیم. فاصله قوانین زیست محیطی با قوانین سخت و الزام‌آور آنقدر زیاد است که برخی از صاحب نظران از «حقوق بین الملل محیط زیست»؛ تحت عنوان «اخلاق بین المل» یاد می‌کنند. محیط زیست یکی قربانی خاموش است و عمده ناقضین آن و ناقضین عمده آن با کمال تأسف خود دولت‌ها هستند و یا اشخاصی هستند که از پشتوانه دولت‌ها برخوردار می‌باشند.

در این مقاله برآنیم تا با بهره‌گیری از نتایج مقالات و پژوهش‌های پیشین، امکان تأسیس دادگاه جرائم زیست محیطی در حقوق ایران و نقاط قوت و ضعف آن را مورد پژوهش قرار دهیم.

جرم انگاری نقض‌های زیست محیطی و تعریف مجازات‌های موثر و بازدارنده از ضرورت‌هایی است که در حقوق داخلی کشورها باید با اولویت تعقیب شود. در حال حاضر نبود محکمه اختصاصی، خلا وجود قاضی مشرف به موضوع و متخصص در حوزه محیط زیست، عدم قطعیت در احراز جرائم مرتبط با نقض‌های زیست محیطی، عدم قطعیت در استناد جرائم زیست محیطی به نقض رخ داده، تنوع موضوعات در حوزه محیط زیست، تنوع جایگاه‌های خواهان و خوانده در پرونده‌های زیست محیطی که عمدتاً نقض‌های عمده توسط دولت و یا اشخاص وابسته به دولت صورت می‌پذیرد، وجود تقابل میان منافع آنی جمع و نقض زیست محیطی رخ داده، مطرح بودن تقابل فرد و جامعه در پرونده‌های سنگین زیست محیطی و دشواری‌های تمیز ارجحیت منافع فرد بر جامعه و یا بالعکس و بسیاری از موضوعات دیگر، چالش‌های جدی نظام حقوقی ایران و دیگر کشورهای

جهان است که باید با اولویت و فوریت برای آنها تدبیر شود و پاسخی منطقی برای آنها اندیشه گردد.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۱- مفهوم محیط زیست

تعریف حقوقی محیط زیست به ترسیم قلمرو موضوع، تعیین اعمال قواعد حقوقی و برقراری حدود مسئولیت در صورت بروز خسارت کمک می‌کند. واژه محیط زیست^۱ از کلمه باستانی فرانسوی به معنی احاطه کردن، گرفته شده است. با کاربرد موسع واژه احاطه، محیط زیست می‌تواند شامل مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گردد که بر حیات فرد یا اجتماع اثر می‌گذارد. پس مشکلات زیست محیطی می‌تواند شامل گرفتگی ترافیک، جرم و آلودگی صوتی شوند. از نظر جغرافیایی، محیط زیست می‌تواند برای اشاره به ناحیه‌ای محدود و یا اشاره به کل سیاره از جمله هواسپهر^۲ (جو) و پوش سپهر^۳ (ماورا جو) مورد استفاده قرار گیرد.

نظر به گستره زمینه مورد بحث، در پاره‌ای از شرایط حقوق و سیاست هم به تخریب‌های محیط زیست ناشی از رویدادهای طبیعی مانند فوران‌های آتشفشانی و هم به تخریب‌های ناشی از مداخلات انسانی پاسخ می‌دهند. اگرچه حقوق نمی‌تواند در فرآیندهای طبیعی منتهی به تغییرات زیست محیطی تأثیر گذار باشد اما می‌تواند رفتار انسان را، برای مثال در پاسخ به فجایع طبیعی، قاعده مند کند (همانطور که چنین کرده است). در کل، تعاریف موسع و این واقعیت که تمام‌فعالیت‌های بشری پیامدی برای محیط زیست به دنبال دارند، تعیین محدوده حقوق محیط زیست را به عنوان یک رشته حقوقی مستقل دشوار میکند؛ در واقع این دو نکته یکپارچگی حمایت زیست محیطی را به تمام‌حوزه‌های حقوق و سیاست وارد میکنند. [۱]

۲- منابع حقوق محیط زیست در ایران

حقوق محیط زیست به عنوان یک رشته نسبتاً جدید، به طور وسیعی در متون نوشته به چشم می‌خورد گرچه برخی از اصول کامن لا با این رشته مرتبط بوده و حقوق بین الملل عرفی نیز در حال پیدایش است. حکومت‌ها بر اساس اقتدارات متعددی که در قوانین اساسی و عادی دارند با حمایت از محیط زیست، رفاه عمومیرا ترویج کرده، بازرگانی را قاعده مند نموده و زمین‌های عمومی، هوا و آب را مدیریت می‌کنند. مقامات ملی ممکن است با الحاق به کنوانسیون‌های دو یا چند جانبه حاوی تعهدات خاص، تکالیف بیشتری را رای حمایت از محیط زیست متقبل شوند.

تنظیم و اعلام عمومیمقررات و مجوزها توسط مقامات اداری نیز از مهمترین منابع حقوق محیط زیست به شمار می‌رود. گزارش دهی، نظارت و طرح دعاوی مدنی و کیفری برای اجرای حقوق محیط زیست از اجزای مهم و تعیین کننده نظام‌های حقوقی زیست محیطی هستند. برخی از قوانین اساسی به حقوق و تکالیف زیست محیط اشاره کرده‌اند، که این مقررات اساسی و تفسیر و اعمال آنها هم منبع احتمالی مهم دیگری برای حقوق محیط زیست خواهد بود. طرح دعاوی مدنی و کیفری، راهی برای اجرای

³ Stratosphere¹ environner² Atmosphere

علیه کارگزاران حکومتی و سازمان‌هایی مربوط می‌شوند که ادعا می‌شود در اجرای قوانین قصور کرده‌اند. کلیه این عناوین مرتبط با حقوق محیط زیست با منابع مختلف حقوق ملی به شرح زیر قانون گذاری می‌شوند. [۳]

۲-۲ قانون اساسی

در سطح ملی، بسیاری از قوانین اساسی دارای مقرراتی هستند که حقوق زیست محیطی را شناسایی کرده و یا تکالیف حکومتی برای حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور مقرر می‌کنند. بیش از یکصد قانون اساسی به حق بر محیط زیست پاکیزه و سالم اشاره کرده و بر دولت وظیفه‌ای دایر بر جلوگیری از آسیب‌های زیست محیطی یا حفاظت از محیط زیست یا منابع طبیعی بار می‌کنند.^۱ با این همه، ارجاع به حقوق زیست محیطی اساسی، مسائل دشواری را مورد قابلیت رسیدگی در دادگاه‌ها، موضوع جبران در صورت نقض و قلمرو و محتوای چنین حقوقی مطرح می‌سازد. در پاسخ به این مسائل باید دید که قانون اساسی در حمایت از، محیط زیست چه نقشی

را در کنار حقوق عرفی، قوانین و مقررات آیین نامه‌ای ایفا می‌کند. [۴] در جامعه بین المللی و برای دیدن رویکرد محاکم شیلی اشاره می‌کنیم به پابلو اورگو سیلوا آتروس علیه امپرسا الکتریکا پانگ اس ای^۲ (دیوان عالی ۵ اوت ۱۹۹۳)؛ و آنتونیو هوروس کیس اترس علیه کمیسیون ملی محیط زیست^۳ (دیوان عالی ۱۹ مارس ۱۹۹۷). محاکم آفریقایی جنوبی نیز حق بر محیط زیست را به عنوان حق قابل رسیدگی قضایی در نظر گرفته‌اند. به طور مشابه در کاستاریکا دیوان عالی مقرر داشته که حق بر سلامتی و محیط زیست جهت برخورداری کامل از حق حیات ضروری هستند.^۴ دیوان عالی بنگلادش نیز حق حیات را به گونه‌ای تفسیر کرده است که شامل حمایت و حفاظت از محیط زیست و تعادل زیستی عاری از آلودگی آب و هوا می‌شود.^۵ [۵]

۲-۳ قوانین زیست محیطی

احتمالاً بیشتر قضایای ارجاعی به دادگاه‌ها بخشی از تلاش برای اجرای قوانین موضوعه یا حقوق اداری و یا تجدیدنظر خواهی از تصمیمات اداری نظیر عدم اعطای مجوز یا دستور به تعلیق انتشار مواد آلاینده هستند. متون قانونی اغلب خط مشی زیست محیطی کلی را ایجاد می‌کنند که با قوانین خاص تر و مقررات اداری تکمیل می‌شوند. در بسیاری از کشورها قوانین زیست محیطی عمده یا ساختاری به تصویب رسیده‌اند. برای مثال:

- قانون حمایت از محیط زیست (روسیه ۲۰۰۱)؛
- قانون ملی محیط زیست سریلانکا؛
- قانون ملی خط مشی زیست محیطی ایالات متحده آمریکا (۱۹۶۹)؛

قوانین و مقررات زیست محیطی است. اگر در قانون اساسی، حقی نسبت به یک استاندارد زیست محیطی خاص پیش بینی شده باشد، این مقرر باید تفسیر و اعمال شود. در صورت نقض این حق، مسائلی در مورد جبران‌های مناسب مطرح می‌گردد که معمولاً قوانین اساسی به آن نمی‌پردازند. مقررات قانونی در کنار تعریف وظایف نهادهای قانونی، ممکن است به فرد اجازه دهند تا علیه اداره‌ای که از اختیارات خود سوء استفاده کرده یا از انجام ماموریتش خودداری می‌کند، شکایت کنند. در برخی شرایط نیز این امکان وجود دارد که به افراد اجازه شکایت مستقیم از خود آلوده کنندگان اعطاء شود. [۲]

۲-۱ حقوق ملی

طیف موضوعاتی که به طور بالقوه به مسائل زیست محیطی مربوط می‌شوند به حدی وسیع است که تقریباً تمامی زمینه‌های مقررات گذاری حقوقی را در بر می‌گیرد. برای مثال:

- قوانین مربوط به حفاظت از اموال باستانی ممکن است غارت و کاوش غیر مجاز در مناطق حفاظت شده دارای اهمیت باستانی و طبیعی را ممنوع سازند.
- مقررات مربوط به فعالیت‌های کشاورزی ممکن است مقرراتی را در مورد کمیت و کیفیت استفاده از آب و همچنین محدودیت استفاده از سموم و کودها وضع کنند.
- قوانین مربوط به بهداشت عمومی‌تواند سم پاشی برای از بین بردن ناقل‌های بیماری را از مقررات گذاری کرده و نکاتی را در مورد ایمنی واکسن‌ها مطرح کنند.
- مقررات مربوط به نحوه استفاده از زمین و دکترین‌های امانت عمومی‌توانند برای حفاظت زیست محیطی مورد استفاده قرار گیرند.
- قوانین مربوط به مدیریت مناطق ساحلی، ماهی گیری و جنگل داری به دنبال حفاظت از منابع مربوطه هستند.
- قوانین مربوط به معدن کاوی و انرژی ممکن است انتشار گازهای گلخانه‌ای و دیگر آلاینده‌های هوا را قاعده‌مند سازند.
- مقررات مربوط به فعالیت‌های صنعتی ممکن است محدودیت‌هایی برای انتشار آلاینده‌ها و پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی برقرار نمایند.
- در نگاه اول، برخی از قضایای زیست محیطی به مثابه شکایت‌هایی به نظر می‌رسند که درصدد حمایت از مشتریان در برابر تولیدکنندگان یا فروشندگان محصولات خطرناک هستند. قضایای دیگر به تلاش‌ها برای دستیابی به اطلاعات راجع به شرایط زیست محیطی و یا دعاوی مطروحه

² Pablo Orrego Silva y Otros v. Empresa Electrica Pange SA.

³ Antonio Horvath Kiss y Otros v. National Commission for the Environment

⁴ Presidente de la sociedad Marlene S. A. v. Municipalidad de Tibas, Sala Constitucional de la corte Supreme de justicia. Decision No. 6918/94 of 25 Nov. 1994.

⁵ See: Dr. Mohiuddin Farooque v. Bangladesh, represented by the Secretary, Ministry of Irrigation, Water Resources and Flood Control and Others; Dr. Mohiuddin Farooque v. Secretary, Ministry of Communication, Government of the People's Republic of Bangladesh and 12 Others.

^۱ آنگولا، آرژانتین، آذربایجان، بلاروس، بلژیک، برزیل، بلغارستان، بورکینافاسو، کامرون، کپ رود (دماغه سبز)، چاد، چین، شیلی، چین، کلمبیا، کنگو، کاستاریکا، کرواسی، کوبا، اکوادور، السالوادور، گینه، اکواتوریا، اریتره، فنلاند، گرجستان، آلمان، غنا، یونان، گواتمالا، گویانا، ایتالی، هندوراس، مجارستان، هند، ایران، قزاقستان، کویت، لاتوس، لاتویا، لیتوانی، مقدونیه، مادا اسکار، مالاوی، مالی، مالت، مکزیک، میکرونزی، مانگولا، موزامبیک، نامیبیا، نپال، هلند، نیکاراگوئه، نیجر، پاپووا، پاناما، گینه جدید، پاپوا، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، پرتغال، رومانی، روسیه، سانتوتومه و پرنسپ، عربستان سعودی، سیشلس، اسلوکی، اسلونی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، اسپانیا، سریلانکا، سوریه، نیم، سوئیس، تایوان، تاجیکستان، تانزانیا، تایلند، توگو، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا، اکراین، ازبکستان، ونزوئلا، ویتنام، یوگسلاوی و زامبیا

فقط محدود به سهم افراد در مواد و کالاها نمی‌شود بلکه رویکردی اجتماعی است که ایجاد، استفاده و حفاظت از منابع طبیعی را سازمان دهی می‌کند؛ در این معنی تنوع زیستی، آب، هوا، معادن، اقلیم، نظام‌های بوم‌شناسی و ... همگی از مشترکات زیست محیطی محسوب می‌شوند. [۸]

برای بهره‌مندی از مشترکات مذکور، حقوق آئینی زیست محیطی^۳ شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی به شهروندان اعطا می‌گردد تا در برابر پروژه‌های صنعتی یا آثار سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی بر جامعه اقدامات مناسبی را اتخاذ نمایند. حقوق آئینی زیست محیطی به دنبال توانمندسازی شهروندان در واکنش به پروژه‌ها و فعالیت‌های زیست محیطی است.

از اسناد مهم‌یکه در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، کنوانسیون منطقه‌ای آرهوس^۴ است. کنوانسیون آرهوس که نماد یا سمبل دموکراسی زیست محیطی محسوب می‌شود در بردارنده حقوقی آئینی است که به افراد در موضوعات زیست محیطی اعطا می‌گردد. ماده ۱ کنوانسیون آرهوس^۵ مقرر می‌دارد: «به منظور حمایت از حق هر فرد از نسل حاضر و نسل‌های آینده برای زندگی در محیطی که متناسب با سلامت و رفاه‌شان باشد هر دولت عضو می‌بایست حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به مراجع قضایی در موضوعات زیست محیطی را تضمین نماید». از این ماده به روشنی مبین سه ستون تحقق دموکراسی زیست محیطی است.

بر اساس آنچه بیان شد، سومین حقی که پازل دموکراسی زیست محیطی را کامل می‌کند، حق دسترسی به مرجع قضایی صالح در مسائل زیست محیطی است که از سه جهت حائز اهمیت می‌باشد: اولاً منجر به افزایش حمایت از منافع زیست محیطی می‌شود، ثانیاً قوانین زیست محیطی موجود با کارآمدی بیشتری اعمال می‌شوند و ثالثاً با به چالش کشیدن تصمیمات زیست محیطی نزد مراجع قضایی و شبه قضائی، علاوه بر پذیرش عمومی، مشروعیت آن تصمیمات را افزایش می‌دهد. [۹] به تعبیری، مشروعیت قانون بستگی به رویه و دخالت عموم در انطباق و نیز کاربرد هنجارهای قانونی دارد. [۱۰]

ضرورت تشکیل دادگاه زیست محیطی به صراحت در اسناد بین‌المللی دیگر نیز بیان شده و رویه قضایی نیز با تفسیر این اسناد آن را تأیید نموده است. با این حال، تشکیل دادگاه مذکور در یک کشور ممکن است با چالش‌هایی مواجه باشد. با توجه به اینکه رسیدگی به پرونده‌ها در دادگاه‌های عمومیمعمولاً طولانی و با بوروکراسی اداری همراه است، دولت‌ها در حوزه محیط زیست به دنبال ایجاد مراجعی (اعم از قضایی و شبه قضایی) هستند که معایب مذکور را نداشته و در عین حال با اقتضائات مسائل زیست محیطی نیز هم‌گام باشد. در همین راستا دولت‌ها با توجه به نظام حقوقی خود، که

• قانون حمایت زیست محیطی هندوستان، قانون مدیریت زیست محیطی (ترینیداد و توباگو ۲۰۰۰/۱۹۹۵)؛

• قانون حفاظت زیست محیطی نپال؛

• قانون حفاظت از محیط زیست بنگلادش، قانون حمایت زیست محیطی پاکستان؛

• قانون محیط زیست بلغارستان (۱۹۹۱)؛ و

• قانون عام تعادل زیستی و حمایت زیست محیطی مکزیک (۱۹۸۸).

این قوانین از فنون و آیین‌های عمومی‌حمایت از محیط زیست شامل ارزیابی پیامد و خطر زیست محیطی، مجوز قبلی، و استانداردهای انتشار آلاینده‌ها استفاده کرده‌اند. آنها همزمان به نگرانی‌های زیست محیطی در کشور خاصی نیز پاسخ می‌دهند؛ نگرانی‌هایی مانند ایمنی و پیامدهای زیست محیطی تجهیزات هسته‌ای، سدهای بزرگ، یا صنایع استخراجی نظیر نفت یا ذغال. در بسیاری از کشورها قوانین زیست محیطی با مقررات اداری یا آیین‌نامه‌ها تکمیل شده و جزئیات آنها تدقیق می‌شود. [۶]

افزون بر قوانین عام ساختاری، قوانین ملی اغلب حسب رویارویی با مسائل زیست محیطی در یک منطقه خاص، اولویت‌های سیاسی و اقتصادی و یا تسهیل دستیابی به اجماع در خصوص یک موضوع زیست محیطی خاص، در مورد یک حوزه یا «عنصر»^۱ زیست محیطی نیز مقررات گذاری می‌کنند. هر چند قوانین خاص، اغلب بهتر از قوانین ساختاری می‌توانند به طور جامعی به بخش خاصی از محیط زیست بپردازند اما مشکل آنها این است که گاهی نمی‌توانند بر ماهیت به هم پیوسته و وابسته محیط زیست اشراف داشته باشند. چنین قوانینی می‌توانند برای قضات مشکل سازش میان الزامات متعارض یا اولویت گذاری میان قوانین رقیب را بوجود آورند. یکی از روش‌های جلوگیری از این مشکلات، قانون گذاری بخشی است که همزمان تمام‌پیمایدهای زیست محیطی ناشی از یک بخش اقتصادی خاص، مانند محصولات شیمیایی یا کشاورزی را تحت پوشش قرار بدهد.

۴-۲ دگرین و رویه قضایی

بر اساس دگرین حقوقی و رویه قضایی بین‌المللی، حقوقی که به محیط زیست مربوط می‌شود را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول حقوق ماهوی هستند که تخریب محیط زیست بهره‌مندی از آنها را به طور مستقیم تحت الشعاع قرار می‌دهد، مانند حق حیات، حق بر سلامت و ...؛ دسته دوم حقوق آئینی است که شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی می‌شود. [۷]

دسته اخیر در چهارچوب دموکراسی زیست محیطی مورد توجه قرار می‌گیرد. دموکراسی زیست محیطی، مفهومی فراتر از رابطه فرد با دولت است. این مفهوم به نیازهای بشری در مشترکات زیست محیطی^۲ اشاره دارد. منظور از مشترکات، خیر و نفع عامه در موضوعات زیست محیطی است که

^۵ کنوانسیون آرهوس در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا امضا شده و در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا گردید. از جهت ممکن است کنوانسیون آرهوس را بتوان کنوانسیون جهانی دانست زیرا طبق بند ۳ ماده ۱۹ کنوانسیون عضویت نه تنها به روی دولت‌های عضو کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا باز می‌باشد بلکه دولتی که عضو سازمان ملل متحد باشد به شرط تصویب مجمع اعضای کنوانسیون، می‌تواند به عضویت کنوانسیون آرهوس درآید.

^۱ "Medium"

^۲ the Environmental commons

^۳ Environmental procedural rights

^۴ Convention on access to information, public participation in decision-making and access to justice in environmental matters (1998)

بیشتری دسترسی به دادگاه در موضوعات زیست محیطی را مورد توجه قرار داده است. طبق ماده ۸ دسترسی مؤثر، به موقع، شفاف، بی طرفانه و بدون هزینه گزاف به دادگاه در موضوعات زیست محیطی می‌بایست تضمین گردد. [۱۱]

۴- انعکاس حق دسترسی به دادگاه زیست محیطی در رویه قضایی
حق دسترسی به مراجع قضایی در نتیجه مخاطرات زیست محیطی در رویه قضایی تأکید قرار گرفته است ضمن آنکه نقش رویه در شفاف سازی این حق و تبیین ابعاد آن نیز قابل توجه است. از این رو در مطالب پیش رو ضمن بررسی چند پرونده مهم، رویکرد مراجع قضایی نسبت به حق دسترسی به دادگاه زیست محیطی نیز بیان خواهد شد.

از جمله پرونده‌های مطروح در این زمینه، دعوای ریموند دلا پرادل علیه فرانسه در دیوان اروپایی حقوق بشر است. خواهان، مالک زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار بود که وزارت محیط زیست و کیفیت زندگی فرانسه، با یک دستور اجرایی زمین‌های منطقه‌ای که زمین‌های خواهان هم بخشی از آن بود را به عنوان زمین‌های برخورداری از زیبایی‌های شاخص و مناسب برای منافع عامه در نظر می‌گیرد. [۱۲] خواهان، پس از گذشت دو ماه از تصمیم وزارت محیط زیست و کیفیت زندگی فرانسه به آن اعتراض می‌کند.^۵ اما دادگاه فرانسه با استناد به دستورالعمل مصوب جولای ۱۹۴۵^۶ ارائه دادخواست را خارج از موعد زمانی اعلام و به نفع خواننده رأی می‌دهد. در پی آن، خواهان با استناد به ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این دلیل که از دسترسی به یک دادگاه منصفانه محروم شده در دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه دعوی می‌کند، استدلال خواهان این بود که افراد مستحق دسترسی به یک نظام منسجم هستند که میان منافع دولتی و منافع آنها تعادلی منصفانه ایجاد نماید. به خصوص وی می‌بایست از فرصت مؤثر و عملی برخوردار باشد تا بتواند دستورالعملی که در حق مالکیت وی مداخله نموده را به چالش بکشد. دیوان، با ملاحظه شرایط فوق اعلام داشت که خواهان به صورت عملی و مؤثر از حق دسترسی به دادگاه برخوردار نبوده لذا دولت فرانسه بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض نموده است. [۱۲]

از موارد قابل توجه دیگر در دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان به اختلاف یک سازمان مردم نهاد علیه دولت بلژیک اشاره نمود. خواهان یک مؤسسه غیر انتفاعی^۷ بوده که هدفش حمایت از محیط زیست منطقه مارکه - ناسون^۸ بلژیک است. محدوده کاری مؤسسه، شامل هر فعالیتی می‌شود که

متأثر از نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... آن هاست، از بین گونه‌های مختلف مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی، مدلی را که مناسب ساختار خود میدانند را اجرایی میکنند.

۳- حق دسترسی به دادگاه زیست محیطی در اسناد بین المللی

دسترسی مؤثر به مراجع قضایی صالح از جمله حقوقی است که در اسناد متعدد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله اسنادی هستند که دسترسی به دادگاه صالح را حق هر انسان می‌دانند. از این گذشته، دسترسی به دادگاه‌های زیست محیطی نیز در برخی اسناد بین‌المللی ذکر شده است. بیست سال پس از صدور اعلامیه استکهلم، کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد موسوم به اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شده و یکی از نتایج آن اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه^۱ است. ماده ۱۰ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «مسائل مربوط به محیط زیست هنگامی به‌ترین نحو حل و فصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت نمایند... دسترسی مؤثر به رسیدگی‌های اداری و قضایی، از جمله تصمیمات مربوط به اصلاح و جبران خسارت، باید تأمین گردد».

بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس نیز مقرر می‌دارد: «... هر طرف معاهده تضمین می‌نماید که اعضای جامعه بتوانند با دسترسی به مراجع قضایی و شبه قضایی، فعل و ترک فعل‌هایی که بر خلاف قوانین ملی، توسط اشخاص خصوصی و مراجع عمومی علیه محیط زیست انجام شده است را به چالش بکشند».

ماده ۱۱ پیش نویس طرح میثاق بین‌المللی حقوق بشر بر محیط زیست (۲۰۱۵)^۲ نیز با عباراتی مشابه، مراجعه به مراجع قضایی صالح و نهادهای اداری مستقل و بی طرف را، نسبت به اقداماتی که منجر به نقض حقوق داخلی و بین‌المللی محیط زیست شده را حق هر فرد می‌داند.

از دیگر اسناد منطقه‌ای که مبین حق دسترسی به دادگاه زیست محیطی است، «موافقتنامه دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی دسترسی به عدالت در موضوعات زیست محیطی در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب»^۳؛ معروف به کنوانسیون اسکارو ۲۰۱۸ است.^۴ ماده اول این موافقتنامه مانند کنوانسیون آرهوس هدف انعقاد آن را تضمین دسترسی به اطلاعات، مشارکت عامه و دسترسی دادگاه می‌داند. البته این کنوانسیون با جزئیات

^۵ خواهان معتقد بود چگونه در دعوای اشخاص حقیقی در نظام فرانسه خواننده دو ماه از تاریخ اطلاع حق اعتراض دارد اما در زمانی که تصمیم از طرف مراجع دولتی باشد شخص دو ماه از زمان انتشار از چنین حق برخورداری است، این موضوع با اصل برابری مغایرت دارد.

^۶ طبق ماده ۴۹ دستورالعمل ۱۹۴۵ زمانی که تصمیم توسط مراجع دولتی اتخاذ می‌شود مراجع قضایی تا دو ماه از زمان انتشار تصمیم، از صلاحیت قضایی برای رسیدگی به آن تصمیم برخوردارند.

^۷ L'Erblière A.S.B.L.

^۸ Marche-Nassogne

^۱ The RIO declaration on environment and development (1992)

^۲ Draft of the International Covenant on the Human Right to the Environment (2015)

^۳ Regional Agreement on Access to Information, Public Participation and Justice in Environmental Matters in Latin America and the Caribbean

^۴ موافقت نامه اسکارو در ۴ مارس بعد از ۶ هفته مذاکرات مداوم توسط ۲۴ دولت منعقد گردید. طبق بند اول ماده ۲۲ آن، نوزده روز پس از تقدیم یازدهمین سند تصویب لازم الاجرا می‌گردد که این شرایط تاکنون محقق نشده است. تاکنون ۲۴ دولت این موافقتنامه را امضا و ۹ دولت بدان ملحق شده‌اند.

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtmtdsg_no-XXVII-188chapter-278clang_en

نمی‌شود. نکته مهم در رأی دیوان، تأیید ادعای خواهان مبنی بر حق دسترسی به دادگاه است. بنا بر نظر دیوان، همه کنیایی‌ها می‌بایست در بهره‌مندی از حقوق از جمله دسترسی به عدالت از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و از این حیث نباید هیچ گونه تبعیضی میان شهروندان و قبایل مختلف، از جمله اُگیگ وجود داشته باشد. [۸]

دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز در پی سؤال دولت کلمبیا در مورد تعهدات زیست محیطی دولت‌های آمریکایی، نظریه‌ای مشورتی صادر نمود که در این رابطه قابل استناد است. در این نظریه مشورتی دیوان آمریکایی برای اولین بار حق بر محیط زیست سالم را به عنوان یک حق مستقل شناسایی کرده و آن را مبنا و اساس بقای بشریت توصیف مینماید. [۸] دیوان ضمن اشاره به تقسیم بندی حقوق زیست محیطی به ماهوی (حقوقی که تخریب محیط زیست به طور مستقیم بهره‌مندی از آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد مانند حق حیات، حق بر سلامت و...) و حقوق آئینی (که به سیاست‌های زیست محیطی مربوط بوده و شامل حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و دسترسی به مراجع قضایی در موضوعات زیست محیطی می‌شود). اعلام می‌دارد که تأمین حقوق زیست محیطی جز با فراهم ساختن بسترهای لازم برای دسترسی به دادگاه صالح امکان پذیر نیست.^۳

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نیز، در پرونده‌های متعددی بر بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس در مورد دسترسی به دادگاه در موضوعات زیست محیطی صحت گذاشته است. بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس، صراحتاً به «ملاک‌های مقرر در قوانین ملی»؛ اشاره دارد و طرح دعوا را منوط به احراز شرایط مزبور می‌داند. به عبارت دیگر، امکان قانون‌گذاری و تعیین شرایط طرح دعوا در موضوعات زیست محیطی برای دولت‌های عضو فراهم شده است. مسئله مهم این است که آیا دولت‌های عضو می‌توانند در حقوق داخلی خود محدودیت‌هایی بر بند ۳ ماده ۹ وارد نمایند و در صورتی که پاسخ مثبت باشد، اعمال محدودیت‌ها تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد. این موضوع در پرونده اختلاف میان سازمان مردم‌نهاد دورگاردن لیلوارتانس^۴ علیه سوئد مطرح گردید. قوانین داخلی دولت سوئد به آن دسته از سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه طرح دعوا در موضوعات زیست محیطی را می‌دهد که تعداد اعضای آنها از ۲۰۰۰ نفر بیشتر باشد. بر اساس همین مقرر و عدم احراز شرط مندرج در قانون سوئد، دعوای سازمان مردم‌نهاد دورگاردن لیلوارتانس در مرحله بدوی و مرحله تجدید نظر رد شد. لذا سازمان مذکور مسئله را نزد دیوان عالی سوئد طرح نمود و دیوان عالی برای رسیدگی، موضوع انطباق یا عدم انطباق قانون سوئد با کنوانسیون آرهوس را از دیوان دادگستری اتحادیه اروپا استفسار نمود. دیوان در پاسخ، ابتدا ادعان می‌دارد که اولاً با توجه به اینکه قوانین با مشارکت (مستقیم یا غیر مستقیم) مردم وضع می‌شود، بالطبع دسترسی به مراجع قضایی و احقاق حق مردم، نباید مشروط به شرایط خاصی باشد. [۱۵] ثانیاً، قوانین

به طور مستقیم یا غیر مستقیم به کیفیت و تنوع زیست بوم، چشم‌اندازهای طبیعی یا نیمه طبیعی، زمین، آب، هوا و سایر عناصر حیاتی برای انسان مربوط باشد. این مؤسسه نسبت به اعطای مجوز برای گسترش یک سایت جمع‌آوری زباله به شورای دولتی بلژیک شکایت نمود. اما شکایت با این استدلال که فاقد بیان واقعیت‌هایی (فکت‌هایی) است که زمینه اختلاف را شرح دهد، رد شد. خواهان با این ادعا که عدم پذیرش دعوا توسط شورای دولتی بلژیک، منجر به نقض حق دسترسی به دادگاه شده است و با استناد به بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دیوان اقامه دعوی نمود. دیوان در این رأی ابتدا شرایط استناد به ماده ۶ کنوانسیون را تبیین می‌نماید از جمله اینکه، «اختلاف»؛ باید در مورد «حق»؛ باشد که در قانون داخلی شناسایی شده است. اختلاف، باید واقعی و جدی باشد؛ این مسئله نه تنها نسبت به وجود حق، بلکه به دامنه و نوع اعمال آن نیز مربوط می‌شود.

همچنین، نتیجه رسیدگی باید مستقیماً برای حق مورد نظر تعیین‌کننده باشد. به بیان دیگر، ارتباط ضعیف و بعید برای استناد به ماده ۶ کفایت نمی‌کند [۱۲]. بنابراین، صرف وجود قانون یا تأثیر حکم دادگاه بر شخص ثالث، طرح دعوا از طرف وی را توجیه نمی‌کند.^۱ سپس به انطباق شرایط گفته شده به خواهان پرداخته و اعلام می‌دارد، خواهان (مؤسسه غیر انتفاعی) علاوه بر دفاع از منافع عامه، به طور خاص مدافع منافع اعضای مؤسسه نیز می‌باشد و در این پرونده، افزایش ظرفیت سایت جمع‌آوری زباله، به طور مستقیم زندگی شخصی اعضا را تحت تأثیر قرار داده است. دیوان در نهایت با توجه به احراز ارتباط میان اختلاف مطروحه با حق مورد استناد، نقض بند ۱ ماده ۶ را می‌پذیرد. [۱۳]

از جمله پرونده‌های جدید مطروحه در دیوان آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها پرونده اُگیگ^۲ است که در سال ۲۰۱۷ طرح گردید. بعد از طرح دعوا در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، به دلیل نقض‌های شدید و گسترده حقوق بشر و عدم تبعیت دولت کنیا از اقدامات موقت، کمیسیون پرونده را به دیوان مزبور ارجاع داد. [۱۴] این پرونده مربوط به اقلیت‌های قومی بومی‌ساکن در جنگل مانو کنیا است. دولت کنیا با استناد به اینکه جنگل مانو (حوزه آبریز منطقه حفاظت شده) محسوب و متعلق به این دولت است، بدون مشورت قبلی و لحاظ اهمیت جنگل مانو برای اقلیت مذکور، اقدام به اخراج آنها نمود. خواهان با استناد به قانون اساسی کنیا بیان میدارد که اقلیت بومی‌بودن نباید مانع بهره‌مندی از حقوق مذکور گردد. دیوان ابتدا با بررسی عوامل متعدد از جمله ارتباط گروه اُگیگ با طبیعت، زمین و محیط زیست طبیعی تصدیق می‌کند که این گروه یک جمعیت بومی‌است که بقایش بستگی به دسترسی پیوسته و استفاده از زمین و منابع طبیعی منطقه دارد و در این راستا از حق تصرف، استفاده و بهره‌مندی از سرزمین اجدادیشان برخوردارند و لذا دولت کنیا در برابر تخریب جنگل مسئول بوده و اخراج اقلیت بومی‌اُگیگ اقدامی مناسب برای حفظ محیط زیست جنگل محسوب

Felix Pinto-Bazurco, "The inter-american court of human rights recognizes a right to a healthy environment in recent advisory opinion", 2018 available at: <http://blogs.law.columbia.edu/climatechange/2018/02/23/the-inter-american-court-of-human-rights-recognizes-a-right-to-a-healthy-environment-in-recent-advisory-opinion/>

⁴ The NGO Djurgården-Lilla Värtans Miljöförening

¹ Actio Popularis

² Ogik case

^۳ باید توجه داشت که نظر مشورتی دیوان آمریکایی حقوق بشر برای تمام دولت‌هایی که صلاحیت آن را پذیرفتند لازم‌الاتباع می‌باشد.

محیط زیست ملل متحد (یونپ) در گزارشی تحت عنوان «دادگاه‌ها و دیوان‌های زیست محیطی: راهنمایی برای سیاست‌گذاران»؛ به تفصیل این موضوع را بررسی نموده است. طبق این گزارش، بررسی‌های صورت گرفته در ۴۴ کشور نشان می‌دهد بیش از ۱۲۰۰ مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در سراسر جهان مشغول فعالیت‌اند. همچنین، تأسیس دادگاه‌های اختصاصی پاسخی مناسب به هدف شانزدهم توسعه پایدار مندرج در سند «تحول دنیای ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای اقدام جهانی»؛ است [۱۶] در واقع تعدد مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی از تحولات قرن ۲۱ عنوان شده است. [۱۷]

مراجع زیست محیطی از جهاتی از دادگاه‌های عمومی متفاوت و مجزا هستند زیرا نه تنها به طور خاص بر موضوعات زیست محیطی متمرکز هستند، بلکه قضات و دادرسان و حتی در مواردی وکلا و کارشناسان این مراجع، افرادی هستند که به طور خاص در حقوق محیط زیست آموزش دیده و متبحر هستند. [۱۶] در واقع بدون یک نظام قضایی مستقل، قدرتمند و متخصص امکان پیگیری منافع عامه غیر ممکن است. [۱۸] همان طور که آنتونیو بنجامین قاضی دیوان عالی برزیل عنوان می‌دارد: «چالش‌های زیست محیطی مستلزم پاسخ و واکنش سریع است که با فرایند کند نظام قضایی، به دلیل بوروکراسی اداری و سایر تشریفات، سازگار نبوده و حتی در نهایت خود مانعی برای حمایت مؤثر از محیط زیست است». [۱۶]

در مورد نمونه‌های مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در ابتدا باید عنوان داشت که مناسب‌ترین روش حل و فصل اختلافات به نحوی که برای تمام افراد ذی نفع حق دسترسی به دادگاه وجود داشته باشد بستگی به مؤلفه‌های گوناگونی دارد. هر نمونه از این مراجع در نظام‌های داخلی، به نوعی منعکس کننده نظام حقوقی و فرهنگی دولت متبوع آن دادگاه می‌باشد. به این معنا که یک مرجع قضایی یا شبه قضایی زیست محیطی در یک دولت می‌بایست با توجه به تاریخ نظام حقوقی، نظام قضایی، اقتصاد، فرهنگ، مذهب و سیاست‌های زیست محیطی آن دولت باشد. با این توضیح، در ادامه انواع مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند. [۱۶] در کل، مراجع زیست محیطی یا در ساختار قضایی یا در ساختار نهادهای شبه قضایی مانند نهادهای اداری آمبودزمان و ... تعبیه شده‌اند.

۱-۵ مراجع قضایی زیست محیطی

مراجع قضایی زیست محیطی به چهار دسته قابل تقسیم بندی هستند: طبق الگوی نخست، دادگاه اختصاصی محیط زیست مستقل از دادگاه‌های عمومی تأسیس می‌شود. این مدل دادگاه‌ها که عالی‌ترین نمونه از روش‌های حل و فصل قضایی موضوعات زیست محیطی محسوب می‌شوند دارای صلاحیت گسترده‌ای بوده و عموماً بهترین رویه‌های زیست محیطی از آنها نشئت می‌گیرد. از نمونه‌های عملی می‌توان به دادگاه موضوعات ارضی و زیست محیطی برزیل و دادگاه محیط زیست نیوزیلند اشاره نمود.

داخلی دولت‌های عضو باید در راستای قوانین اتحادیه و کنوانسیون آرهوس، بیشترین دسترسی به مراجع قضایی و شبه قضایی را در موضوعات زیست محیطی تضمین نمایند و قوانین داخلی دولت‌ها نباید مبطل مقررات اتحادیه در مورد دسترسی افراد واجد صلاحیت به این مراجع باشد. [۱۵] ثالثاً، با توجه به اینکه تنها دو سازمان غیر دولتی زیست محیطی در سوئد جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ نفر عضو دارند، لذا قانون این کشور در عمل کلیه سازمان‌های غیر دولتی کوچک و محلی را از دسترسی به دادگاه، محروم نموده است. [۱۵] دیوان در نهایت اعلام می‌کند که قانون داخلی سوئد در مغایرت با موضوع و هدف کنوانسیون آرهوس است.

دیوان دادگستری اتحادیه در پرونده سازمان غیر دولتی دوستان زمین^۱ علیه آلمان، مقرر کرده داخلی دولت آلمان را به چالش می‌کشد. این دولت طی مقرره‌ای اجازه تأسیس و بهره‌برداری از نیروگاه زغال سنگ را در ۸ کیلومتری مناطق حفاظت شده صادر می‌کند. سازمان غیر دولتی دوستان زمین برای ابطال مجوز مذکور اقامه دعوا می‌کند اما دادگاه آلمان اعلام می‌دارد «تا زمانی که حقوق افراد به طور مستقیم نقض نشده باشد هیچ فرد یا سازمانی نمی‌تواند در خواست ابطال مجوز را داشته باشد». دیوان دادگستری اتحادیه اروپا با رد این نظر عنوان می‌دارد که «در پرتو اهداف کنوانسیون آرهوس، سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی برای حراست از اعمال مؤثر قوانین زیست محیطی، می‌بایست حق گسترده‌ای در زمینه طرح دعوا داشته باشند». [۱۵] بنابراین، در پروژه‌هایی که ممکن است اثرات مهمیبر محیط زیست داشته باشند سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی می‌بایست این حق را داشته باشند تا تصمیمات دولتی را نزد مراجع قضایی و شبه قضایی به چالش بکشند. از این رو قانون آلمان بسیار مضیق بوده و با اهداف کنوانسیون آرهوس انطباق ندارد.

همچنین در پرونده معروف به خرس‌های قهوه‌ای اسلواک^۲ که توسط سازمان غیردولتی^۳ علیه دولت اسلواکی طرح گردید دیوان دادگستری اتحادیه اروپا عنوان می‌دارد تا جایی که به گونه‌های مورد حمایت مربوط می‌شود دادگاه‌های دولت‌های عضو متعهدند برای تضمین حمایت قضایی مؤثر در چهارچوب قوانین زیست محیطی اتحادیه، قوانین ملی خود را تا جای ممکن به گونه‌ای تفسیر نمایند تا با اهداف مقرر در بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون آرهوس و بیشترین دسترسی به دادگاه، انطباق داشته باشد. [۱۵]

کلیه پرونده‌های یادشده نشان می‌دهد که دسترسی به مراجع قضایی و شبه قضایی برای احقاق حق در مسائل زیست محیطی چه به عنوان یک حق بشری و چه در قالب دموکراسی زیست محیطی، مورد تأیید رویه قضایی قرار گرفته است.

۵- مدل‌های مختلف مراجع زیست محیطی موفق در نظام‌های داخلی

آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر در حوزه ایجاد مراجع قضایی زیست محیطی، نظام‌های داخلی شاهد فعالیت‌های مهمی بوده‌اند. برنامه

³ Lesoochránárske zoskupenie VLK

¹ The NGO Friends of the Earth

² Slovak Brown Bears (2011)

و آرژانتین این روش را برگزیده‌اند. دیوان عالی اندوزی دلیل انتخاب این روش را حفظ استقلال قوه قضائیه می‌داند. دیوان عالی آرژانتین نیز در مراحل ابتدایی تأسیس دادگاه زیست محیطی، در سال ۲۰۱۴ اقدام به تأسیس یک دفتر زیست محیطی^۱ نمود. گرچه دفتر مذکور حکم قضایی صادر نمی‌کند و از این رو نمی‌توان آن را یک دادگاه زیست محیطی دانست اما یکی از فعالیت‌های این دفتر، ارائه آموزش‌های زیست محیطی به کارکنان قوه قضائیه است. [۱۶]

۲-۵ مراجع شبه قضایی زیست محیطی

مراجع شبه قضایی زیست محیطی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول شامل مراجع شبه قضایی می‌شود که منفک از نهادهای عمومی کشور به فعالیت می‌پردازند، به این ترتیب که در تعیین قواعد حاکم بر رسیدگی از اختیار تام برخوردارند. مثال این مورد، دیوان ملی محیط زیست کنیا^۲ است. وظیفه این نهاد، رسیدگی به اعتراضات وارده به تصمیمات آژانس ملی محیط زیست کنیا است. از جمله وظایف آژانس ملی محیط زیست کنیا، صدور مجوز برای ساخت جاده، تأسیس کارخانه، ارائه تسهیلات گردشگری و ... است. فعالیت‌های یاد شده نیازمند اخذ مجوز و ارزیابی آثار زیست محیطی است. اعتراض نسبت به مجوز مذکور در دیوان ملی محیط زیست کنیا قابل بررسی است و مدت زمان و هزینه رسیدگی در این دیوان بسیار کمتر از مراجع قضایی تعیین شده است. کمیسیون هماهنگی اختلافات زیست محیطی ژاپن^۳ نیز نمونه دیگری از این قبیل مراجع شبه قضایی است. این کمیسیون، نهاد تخصصی مستقلی است که از اختیار لازم برای بازنگری یا لغو تصمیمات دولتی برخوردار نبوده و صرفاً نظرات مشورتی ارائه می‌دهد؛ با این حال، به دلیل فرایند عادلانه، سریع و ارزانی که دارد سالانه پرونده‌های زیادی را بررسی می‌نماید. [۱۶]

دسته دوم، مراجعی هستند که به عنوان جزئی از ساختار و بدنه سازمان‌های دولتی عمل نموده و از حیث بودجه و فعالیت‌های اداری تحت نظارت آنها هستند. دیوان ملی سبز هند^۴ از جمله این مراجع است. دیوان مزبور به عنوان بخشی از وزارت دادگستری کشور هندوستان و در استقلال کامل از وزارت محیط زیست این کشور فعالیت می‌کند و همچون نهادهای قضایی از اختیارات گسترده‌ای مانند احضار شهود، دستور موقت، توقیف اموال و ... برخوردار است. مرجع بازنگری تصمیمات این نهاد دیوان عالی کشور هندوستان است. دیوان ملی سبز هند تاکنون رسیدگی به پرونده‌های بسیار مهم زیست محیطی مانند آلودگی رود گنگ، آلودگی هوا در دهلی نو و ... را در کارنامه خود دارد. [۱۹]

سومین دسته از نهادهای شبه قضایی، نهادهایی هستند که از حیث مالی، اداری و سیاست گذاری تحت کنترل نهاد مافوق خود هستند که تصمیمات آنها را نیز مورد بازنگری قرار می‌دهد و لذا فرض بر این است دسته اخیر برخلاف مدل پیش گفته، در تصمیم گیری‌ها از استقلال کافی برخوردار نیستند. با وجود این برخی از این نهادها توانسته‌اند با جلب اعتماد عمومی

دسته دوم، دادگاه‌های تخصصی زیست محیطی بخشی از بدنه دادگاه عمومی را تشکیل می‌دهد. به این معنی که از حیث بودجه، کارکنان و مدیریت زیر نظر دادگاه عمومی بوده اما از حیث قواعد شکلی و ماهوی در تصمیم گیری مستقل عمل می‌کنند. دادگاه ایالت کوئینزلند استرالیا، شعبه محیط زیست دادگاه عالی ایالت ورمونت آمریکا از جمله دادگاه‌های زیست محیطی هستند که در این دسته جای می‌گیرند.

دسته سوم، شامل مراجع قضایی زیست محیطی است که نه تنها مسائل زیست محیطی توسط قضات متخصص و متبحر در حقوق محیط زیست در آنها بررسی می‌شود، بلکه به موازات رسیدگی‌های حقوقی، متخصصان علمی و فنی نیز پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهند تا ابعاد مختلف قضیه آشکار شده و حکم صادره عادلانه‌تر باشد. مشخصه اصلی این قسم از مراجع زیست محیطی، همکاری میان زمانی محقق می‌گردد که در دادگاه اختصاصی یا تخصصی در کنار قضات حقوقدان، متخصصین علمیه قضات (حقوقدان) با متخصصین علمی و فنی زیست محیطی است و الا همکاری متخصصین فنی و علمیدر دسته اول (دادگاهی مجزای از دادگاه عمومی) و دسته دوم (شعبه‌ای در بدنه دادگاه عمومی) نیز متصور است. به بیان دیگر در دسته اول و دوم لزوماً از متخصصین علمیه فنی استفاده نمی‌شود، در حالی که دسته سوم و فنی نیز مشارکت داشته باشد. برای مثال، طبق قانون محیط زیست سوئد، دادگاه ارضی و زیست محیطی این کشور، هیأتی متشکل از یک قاضی (حقوقدان) یک کارشناس فنی و دو کارشناس علمی است. همچنین دادگاه محیط زیست شیلی نیز بر اساس همین الگو از سه عضو اصلی شامل دو قاضی (حقوقدان) و یک کارشناس علمی (که از میان مهندسين و اقتصاددان‌ها انتخاب می‌شود) و دو عضو جایگزین (یک حقوقدان و یک کارشناس علمی) تشکیل شده است و حکم نهایی نیز می‌بایست محصول همکاری حقوقی و فنی میان اعضای مذکور باشد.

الگوی چهارم از رسیدگی‌های زیست محیطی می‌تواند شامل حالت‌های مختلفی باشد که در سه الگوی پیشین قرار نمی‌گیرد اما به نوعی مبین توجه خاص به پرونده‌های زیست محیطی است، اقداماتی همچون اختصاص زمان‌های مشخص برای رسیدگی‌های زیست محیطی یا تخصیص شعبی از دادگاه‌های عمومی به این امر یا آموزش زیست محیطی قضات دادگاه عمومی از مصادیق شناخته شده این الگو است. برای روشن شدن بهتر شیوه کار این دسته، دادگاه ایالت هاوایی نادر آمریکا را مثال می‌زنیم. دادگاه مذکور روزهای مشخصی را در هر ماه به رسیدگی پرونده‌های زیست محیطی اختصاص می‌دهد اگرچه قضات رسیدگی کننده لزوماً افراد متخصص محیط زیست نیستند. یا کشور فیلیپین که شعبی از دادگاه‌های عمومی را به رسیدگی‌های زیست محیطی اختصاص داده است؛ به این معنا که شعب مذکور به پرونده‌های حقوقی، کیفری و ... رسیدگی می‌نمایند. در کنار آنها تمام پرونده‌های زیست محیطی نیز به این شعب انتقال داده می‌شود. مثال دیگر این الگو، حالتی است که برخی قضات منتخب دادگاه عمومی به صورت ادواری مورد آموزش‌های زیست محیطی قرار می‌گیرند. کشورهای اندونزی

³ Environmental Dispute Coordination Commission of Japan

⁴ India - National Green Tribunal

¹ Environmental Office.

² Kenya - National Environment Tribunal

قضایی و شبه قضایی زیست محیطی به عنوان بخشی از سازوکارهای حقوقی و قضایی مدنظر این رساله است. در مطالب پیش رو ابتدا وضعیت کنونی نظام حقوقی برای طرح دعاوی زیست محیطی و سپس آنچه بایسته است را بررسی خواهیم کرد.

۱-۶ طرح دعاوی زیست محیطی در ساختار کنونی

هر چند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشاره‌ای به مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی ندارد اما در برخی از مقررات و قوانین عادی، امکان طرح دعاوی و جبران خسارات زیست محیطی پیش بینی شده است. در حال حاضر برای رسیدگی به پاره‌ای از اختلافات که جنبه‌های زیست محیطی نیز دارند، مراجع شبه قضایی توسط برخی قوانین و آیین نامه‌های اجرایی تشکیل شده است. بر اساس ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، استفاده از منابع آب زیرزمینی (به استثنای موارد مذکور در ماده ۵) از طریق حفر هر نوع چاه، قنات و چشمه می‌بایست با موافقت وزارت نیرو و صدور پروانه حفر و بهره برداری توسط این وزارت خانه انجام گیرد. با توجه به ماده ۱ آیین نامه اجرایی فصل دوم قانون فوق، مصوب ۱۳۶۳ هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی بخواهد از آب‌های زیر زمینی ... استفاده کند باید تقاضای کتبی خود را به سازمان یا شرکت‌های آب تابعه وزارت نیرو یا شعب آنها تسلیم نمایند. در مواد ۳ و ۴ آیین نامه مقرر شده پس از تکمیل پرونده متقاضی، رسیدگی به آن جهت صدور پروانه با (کمیسیون رسیدگی به امور پروانه‌ها) خواهد بود. علاوه بر این مورد، صدور پروانه مصرف بهینه آب برای مصرف کنندگان کشاورزی (طبق ماده ۷ آیین نامه اجرایی بهینه سازی مصرف آب کشاورزی مصوب ۱۳۷۵) و صدور پروانه کلیه چاه‌های آب کشاورزی فعال فاقد پروانه (به استناد ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره برداری مصوب ۱۳۸۹) از اختیارات کمیسیون است [۲۲] البته کمیسیون در برخی مسائل مانند حل اختلاف فی مابین صاحبان چاه یا قنات جدید الاحداث با صاحبان منابع آبی مجاور (تبصره ۲ ماده ۵ و تبصره ۱ ماده ۱۴ و ماده ۶ آیین نامه اجرایی) صلاحیت حل اختلاف نیز دارد. بنابراین می‌توان کمیسیون را مرجع شبه قضایی دانست که علاوه بر صدور مجوزهای لازم برای حفر و بهره برداری از منابع آب‌های زیرزمینی، از صلاحیت حل اختلاف نیز برخوردار است. همچنین، بر اساس تبصره ۵ ماده واحده قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره برداری مصوب ۱۳۸۹ به منظور حل اختلافات ناشی از این قانون و نیز قانون توزیع عادلانه آب، در هر استانی، کمیسیونی با عنوان کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی متشکل از یک نفر قاضی (با حکم رئیس دادگستری)، یک نفر نماینده سازمان جهاد کشاورزی استان (با حکم رئیس سازمان) و یک نفر نماینده شرکت آب منطقه‌ای استان (با حکم مدیر عامل شرکت) تشکیل و نسبت به بررسی واصله اقدام می‌کند. البته رأی نهائی توسط قاضی صادر می‌گردد. طبق این قانون، کلیه دعاوی اشخاص علیه شکایات دولت مطروحه در دادگاه عمومی، برای اتخاذ تصمیم به این کمیسیون ارسال خواهد شد.

رویه‌های خوبی از خود به جای بگذارند. در این مورد می‌توان سازمان حفاظت از محیط زیست ایالات متحده^۱ را مثال زد. در این سازمان، مرجع رسیدگی به پرونده‌های اداری مرتبط با محیط زیست، دفتر دادرسان حقوق اداری^۲ است. تصمیمات این دفتر توسط هیئت استیناف محیط زیست^۳ (با ۴ قاضی مجرب و ۸ وکیل با تجربه به عنوان مشاور) مورد بازنگری قرار می‌گیرد. بازنگری انجام شده به عنوان یک گزارش مستقیماً به دفتر دادرسان حقوق اداری ارسال می‌شود. تصمیمات هیئت استیناف برای سازمان محیط زیست قطعی بوده و تنها در برخی موارد نزد دادگاه فدرال قابل اعتراض است. [۱۶]

۶- دسترسی به مراجع قضایی و شبه قضایی زیست محیطی در نظام حقوقی ایران

از بدو تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئله محیط زیست مورد توجه قانون گذار بوده است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» اصل مزبور که ۶ سال پس از اعلامیه استکهلم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درج گردید نقطه عطفی در شکل گیری مبانی حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود [۲۰]

با وجود این مقرر اساسی و نیز وجود قوانینی هر چند پراکنده در نظام حقوقی ایران، محیط زیست کشور به ویژه در دو دهه اخیر با چالش‌های زیست محیطی فراوانی مواجه گردیده مواردی همچون کم آبی و خشکسالی، ریزگردها، آلودگی هوای کلانشهرها، بالا بودن مصرف انرژی، خشک شدن تالاب‌ها، فرسایش و فرونشست زمین از بین رفتن جنگل‌ها، بیابان زایی، فرسایش خاک، آلودگی دریاها، انقراض گونه‌های جانوری بومی، شکار غیرقانونی، از بین رفتن تنوع زیستی، از عمده ترین مشکلات زیست محیطی ایران است که افزون بر به خطر انداختن جان انسان ها، محیط زیست کشور را به سوی شرایط بحرانی سوق داده است.

شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد، به طوری که مقوله توسعه با تخریب محیط زیست هم زاد شده است. برای مثال، ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان در آلودگی هواست و در مسائلی همچون فرونشست زمین، نابودی تالاب‌ها و بیابان زایی رتبه اول را به خود اختصاص داده است [۲۱]. در مدیریت بحران‌های زیست محیطی و مقابله با آن‌ها، عوامل مختلفی دخیل هستند از جدیت در اعمال قانون و سازوکارهای حقوقی و قضایی و ضمانت اجراهای مؤثر، برخورداری از قوانین هم سو با زمان تا نگرش عمومی نسبت به محیط زیست، دخالت جامعه مدنی و مانند آن. از عوامل یادشده مقوله مراجع

³ The Environmental Appeals Board

¹ U.S. Environmental Protection Agency

² Office of Administrative Law Judges

قانون مناطق دریایی، قانون مجازات صید غیر مجاز در دریا و ... هیچ اشاره‌ای به حق اقامه دعوی توسط اشخاص خصوصی و یا سازمان‌هایی که متصدی امر حفاظت محیط زیست هستند، ننموده اما «آیین‌نامه اجرایی هیئت وزیران در خصوص تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی»؛ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۹ و اصلاحیه ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ به سازمان‌های غیردولتی حق می‌دهد تا متناسب با موضوع فعالیت خود با رعایت این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوطه فعالیت نموده و از جمله نسبت به دادخواهی در مراجع قضایی و شبه قضایی اقدام نمایند.

از دیگر ظرفیت‌های نظام حقوقی برای طرح دعاوی زیست محیطی، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۴) است. طبق این ماده «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه ... محیط زیست است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم نموده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»؛ مطرح نمودن سازمان‌های مردم نهاد (سمن) در قانون آیین دادرسی کیفری یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی است که نه تنها جنبه حمایتی از بزه دیده دارد، بلکه نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه دیدگی ثانوی ایفا می‌نماید. در اغلب سیستم‌های حقوقی، چنانچه زبانی مستقیم به اشخاص وارد نشود و فقط محیط زیست موضوع جرم قرار گیرد، در نظر اول، تنها فردی که می‌تواند اقامه دعوی کند دادستان است. [۲۰]

بنابراین، پیش بینی این ماده در قوانین کیفری ما علاوه بر اینکه تضمین تحقق مبنای توسعه پایدار و مبین مسئولیت همگانی مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی است، سبب می‌گردد در حوزه‌هایی که ورود و تعقیب مدعی العموم با مشکلاتی مواجه باشد سازمان‌های مردم نهاد - که امروزه برخی آنان را دادستان خصوصی یا شبه دادستان می‌نامند - در تعامل با دادستان حامی حقوق افراد و جامعه باشند [۲۰].

می‌توان گفت، تا قبل از تصویب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، فعالیت سازمان‌های مردم نهاد کنشی^۱ بوده اما پس از تصویب آن واکنش^۲ شده است. به عبارت دیگر در حوزه سیاست جنایی ایران، نقش سازمان‌های غیر دولتی صرفاً، پیشگیرانه بوده حال آنکه امروزه آنها از نقش‌های متعددی در فرایند کیفری برخوردار هستند از جمله حضور به عنوان شاکی یا اعلام کننده جرم، یاور دادگاه و مشاور قربانی. [۲۰] البته لازم به ذکر است که سمن‌ها قبل از اصلاح نهایی قانون آیین دادرسی کیفری از حقوق گسترده‌تری شامل حق اعلام جرم، معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا، دادگاه و دریافت احضار نامه، اظهار نظر اقامه دلیل و اعتراض به رأی صادره برخوردار بودند. اما در متن نهایی مداخله ی آنها به اعلام جرم و مشارکت محدود گشت.

بنابراین، مادی مذکور از کاستی‌هایی رنج می‌برد و همین سبب شده تا مورد اقبال سازمان‌های مردم نهاد قرار نگیرد. از جمله ایرادات مهم ماده ۶۶ این است که شرایط لازم برای احراز سمن‌هایی که می‌توانند نسبت به جرایم زیست محیطی اعلام جرم نمایند مشخص نشده است. طبعاً، این مسئله حاکمیت قانون را به چالش کشیده و باب اعمال سلیقه‌ی احتمالی را باز می‌گذارد. البته، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۵) اجازه‌ی

از دیگر مراجع شبه قضایی در حوزه محیط زیست باید به هیئت تعیین تکلیف اراضی موضوع ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع اشاره نمود. طبق ماده واحده این قانون صاحبان اراضی زراعی، باغات و تأسیسات واقع در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها ... که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن اعتراض داشته باشند می‌توانند به هیئتی مرکب از مسئول اداره کشاورزی، مسئول اداره جنگل‌داری، عضو جهاد سازندگی، عضو هیئت واگذاری زمین، یک نفر قاضی دادگستری و بر حسب مورد دو نفر از اعضای شورای اسلامی روستا یا عشایر محل مربوطه، مراجعه نمایند. این هیئت در هر شهرستان زیر نظر وزارت کشاورزی و با حضور حداقل ۵ نفر (از هفت نفر) رسمیت یافته و پس از اعلام نظر کارشناسی هیئت، رأی قاضی لازم الاجرا خواهد بود.

در مورد طرح دعاوی زیست محیطی در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) امکان اعتراض به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مأموران آن را مقرر نموده است. همچنین تبصره اول همین ماده، بیان میدارد: «تعیین میزان خسارات وارده ... پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف، با دادگاه عمومی است.»؛ بنابراین بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، اشخاص حقیقی می‌توانند، رأساً علیه تصمیمات و اقدامات سازمان‌های دولتی که به تخریب محیط زیست می‌انجامد و حقوق اشخاص خصوصی را نیز تضییع می‌کند در دیوان طرح دعوا نموده و در صورت استحقاق، حقوق زبان دیدگان در دادگاه‌های عمومی قابل مطالبه خواهد بود. [۲۳] بنابراین، در صورتی که خسارت به محیط زیست از جانب دستگاه‌های اجرایی به حقوق اشخاص خصوصی هم لطمه بزند یا تصمیمات زیست محیطی دستگاه‌های مذکور، موجب ورود خسارت به اشخاص شود، این اشخاص می‌توانند نزد دیوان طرح دعوی نمایند. همچنین، طبق تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور گزارش‌های بازرسی سازمان بازرسی در ارتباط با آیین‌نامه و تصویب‌نامه بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره و شکایات اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی که حاکی از تشخیص تخلف در موارد فوق الذکر باشد جهت رسیدگی و صدور رأی به دیوان عدالت اداری ارسال می‌گردد.

رسیدگی به این گونه موارد به طور فوق العاده و خارج از نوبت خواهد بود. همچنین، به موجب مواد ۹، ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و بند ج ماده ۱۲ و بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی است. از آنجایی که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعاوی که از سوی آن طرح می‌شود، دعوای دولت محسوب می‌گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است [۲۴]. اگرچه قوانین و مقررات مصوب در حوزه محیط زیست از جمله قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع، آیین نامه اخذ ورودیه از پارک‌ها و موزه‌ها، قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی،

² reactive

¹ proactive

سودمند در زمینه محیط زیست و حفاظت از آن، بیش از پیش هموار ساخته و توسعه روزافزون آن را تثبیت نماید.

تعداد کمی از دعاوی بین المللی مطروحه در دیوان بین المللی دادگستری به موضوعات محیط زیست اختصاص دارد (بدیهی است عمده ترین اختلافات موجود به اختلافات تجاری بین دولت ها و مؤسسات اختصاص دارد) ولی با تحلیل همین تعداد از آراء صادر شده در حوزه موضوعات زیست محیطی میتوان استنباط کرد که آرای دیوان بین المللی دادگستری به علت مواجهه با مسائل و موانعی با نگرش احتیاط آمیز صادر شده است. عمده این موانع حاکمیت دولت ها، چالش های سیاسی و اقتصادی نهفته در این گونه اختلافات است که دیوان را در اتخاذ مواضع قاطعانه تر در حمایت از محیط زیست با مشکل یا تردید مواجه می کند.

از آنجایی که در بسیاری از موارد ورود آسیب جدی به محیط زیست و اقداماتی که منجر به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست در سطح منطقه یا در سطح بین المللی می گردد، عمدتاً با مباشرت یا آمریت یا هدایت و یا نهایتاً با مجوز یا تأیید دولت ها صورت می گیرد و فقط در برخی از موارد ممکن است نهادهای دولتی یا وابسته به دولت ها نقش چندانی در بروز معضلات زیست محیطی نداشته باشند، در نتیجه ارجاع این گونه اختلافات زیست محیطی به دیوان های داوری (که الزاماً باید با اقدام داوطلبانه و رضایت طرفین صورت گیرد) با مشکل مواجه می شود، لذا این مسأله چالش دیگری در حل اختلافات زیست محیطی منطقه ای و بین المللی است. به عبارت دیگر، دیوان بین المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به مسایل زیست محیطی ناشی از اقامه دعاوی اشخاص را بر اثر آسیب های زیست محیطی نخواهد داشت و این امر صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوعات زیست محیطی را محدود می کند.

یکی دیگر از چالش هایی که رسیدگی به دعاوی زیست محیطی با آن مواجه است و شاید این اشکال ناشی از ماهیت و طبیعت مسایل زیست محیطی باشد، موضوع اطلاع دادرسی و طولانی شدن فرآیند دادرسی در مسایل زیست محیطی است، به گونه ای که متضمن حفاظت از محیط زیست و حمایت از منافع دولت ها در جهت حفظ ثروت های طبیعی و محافظت از محیط های انسان ساخت در برابر تهدیدات زیست محیطی از جمله آلودگی ها باشد.

بنابراین با توجه به سوال اصلی تحقیق که با محوریت امکان سنجی تأسیس دادگاه جرائم زیست محیطی در ایران بوده باید گفت؛ جهت ایجاد یک نهاد تخصصی قضایی برای رسیدگی به جرایم زیست محیطی نیازمند آن هستیم که اولاً در نظام قانون گذاری به تصویب رسیده و ثانیاً تا زمانی که این امر صورت نپذیرفته می توان از قوانین عمومی و خصوصی برای مجازات مجرمین استفاده نمود.

استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ را می دهد که از مراجع قانونی ذی ربط کسب مجوز نموده و اگر سه بار به صورت متوالی اعلان جرم یک سمن به طور قطعی رد شود تا یک سال نمی تواند از حق خود برای اقامه دعوی استفاده نماید. [۲۰] این قانون نه تنها به رفع ابهام کمکی نموده بلکه محدودیت مندرج در آن، چنانچه اشاره شد حق دسترسی به دادگاه را به عنوان یک حق بشری مخدوش می نماید. همچنین منوط کردن اعلام اسامی سمن های موضوع ماده ۶۶ از سوی وزرای دادگستری و کشور و تصویب رئیس قوه قضائیه که همه از مسئولان دولتی هستند ضمن آنکه با خصیصه غیر دولتی بودن این نهادها در مغایرت است، محدودیتی بر احقاق حق توسط آنها محسوب می شود.^۱ ضمناً با توجه به اینکه ماده ۶۶ جنبه حمایتی دارد و به نظر، با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات حمایت محقق نمی گردد و بهتر آن بود که از حقوق گسترده تری برخوردار باشند [۲۰]

به ظرفیت های فوق می توان معافیت هایی که در نظام حقوقی ایران برای طرح دعاوی زیست محیطی توسط برخی نهادها در نظر گرفته شده را اضافه کرد. در همین راستا، اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۱۱۵۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۸ عنوان داشته است: «با عنایت به ماده ۲۸ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ که مقرر می دارد به منظور رفع تصرف از اراضی دولتی، ملی و وقفی، سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سازمان امور اراضی و سازمان حفاظت محیط زیست ... حسب مورد پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوط، از پرداخت هزینه های دادرسی معاف می باشند». چنانچه دستگاه اجرایی ذی ربط به منظور رفع تصرف از اراضی مذکور در این قانون هرگونه دعوایی طرح یا اعتراض نماید، با رعایت مقررات این ماده از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. اداره کل حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۳۱۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ نیز اعلام نموده است «دعاوی که سازمان محیط زیست در اجرای قانون حفاظت و احیاء و مدیریت تالاب های کشور مصوب ۱۳۹۶ اقامه می نماید (اعم از دعاوی کیفری و یا حقوقی نظیر ضرر و زیان ناشی از جرم) - با عنایت به اطلاق تبصره ۲ ماده ۴ این قانون - از پرداخت هزینه دادرسی معاف است»؛ نظرات اداره حقوقی، نشان دهنده درک حساسیت موضوعات زیست محیطی و گام های مثبت جهت تسهیل طرح دعاوی زیست محیطی است. [۲۰]

نتیجه گیری

یکی از مهمترین معضلات حقوق محیط زیست در نظام داخلی و همچنین نظام مسئولیت دولت ها، فقدان یک مرجع با صلاحیت خاص و ویژه در عرصه داخلی می باشد. واقعیت امر این است که این حوزه از حقوق، نیازمند یک نهاد مقتدر است که انگیزه حمایت از محیط زیست را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم های کارآمد قضایی را در سطح ملی افزایش دهد و بدین وسیله توسعه حقوق محیط زیست را با صدور آراء و رویه های قضایی

^۱ یاد آوری می شود که در زمینه دعاوی مدنی کماکان سازمان های غیر دولتی نمی توانند به عنوان خواهان در دعاوی زیست محیطی طرح دعوی کنند.

مشارکت نویسندگان

انجام کارهای میدانی و نگارش کلی مقاله بر عهده نویسنده سوم و پیشنهاد عنوان مقاله، بازخوانی، اصلاح و راهنمایی کلی مقاله، تأیید روایی پرسشنامه، همچنین کلیه مکاتبات بر عهده نویسنده اول مقاله بود. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به‌صورت همکاری دو سویه انجام گرفت.

تشکر و قدردانی (اختیاری)

شایسته است مراتب قدردانی خود را از سردبیر و مدیر داخلی محترم نشریه اقتصادشناسی جناب آقای دکتر اکبرپور و تیم ایشان اعلام دارم

تعارض منافع

این مقاله بر اساس «تعارض حرفه‌ای و مالکیت فکری: ارتقای سازمانی و نظریات تخصصی شخصی اینجانب به‌عنوان نویسنده مسئول گردآوری شده است.» یا «هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.»

منابع

- [6] Firouzi, Mehdi, (2004). The right to the environment, Tehran, Jihad University Press. "(Persian)"
<https://www.gisoom.com/book>
- [7] Shelton, Dinah (2015), "Nature as a legal person", Vertigo - la rever électronique en sciences de l'environnement [En ligne], iss. 22.
<https://journals.openedition.org/vertigo/16188>
- [8] 23- IACHR, Environment and human rights, official summary advisory opinion oc- 23/17, requested by the republic of Colombia, 15 November 2017. Availabl at:
<https://aidaamericas.org/sites/default/files/resources/files/resumen seriea OC23eng.pdf>
- [9] Hjalmarsson, Karin, (2014), Access to Justice in Environmental Matters in The EU Member States, A Study of the case law from the European Court of Justice On access to national courts for non---governmental organizations and the costs of environmental proceedings, JURM02 Graduate Thesis. Available at:
<https://lup.lub.lu.se/student-papers/search/publication/4451220>
- [10] Ebbesson J, (2002.), Access to justice in environmental matters in the EU, Kluwer, The Hague.
<https://cris.maastrichtuniversity.nl>
- [11] Ferrucci, Giada (2019), "A pioneering Platform: strengthening Environmental Democracy and justice in Latin America and the Caribbean", journal of management policy and practice, vol.20.
<https://articlegateway.com>
- [12] European court of human rights court, Case of de geouffre de la Pradelle v France, (Application no. 12964/87), 16 December 1992.
<https://hudoc.echr.coe.int>
- [13] Shelton, Dinah (2015), "Nature as a legal person", Vertigo - la rever électronique en sciences de l'environnement [En ligne], iss. 22
<https://journals.openedition.org>
- [14] Smith, john (2018), Environmental courts and tribunals: changing environmental and natural resources law around the globe, Journal of Energy & Natural Resources Law, vol. 36, no. 2.
<https://www.unep.org>

- [1] Jalalian, Askar, (2015). International environmental law, first edition, second volume, Tehran, Dadgstar Publications. (page, 51) "(Persian)"
<https://ee.journals.pnu.ac.ir>
- [2] Golestani, Mahmoud and Elham Pahlavani, (2019). An introduction to the attitude of Islam and international humanitarian law on environmental protection, International Studies Quarterly, 9(3), 32-48 "(Persian)"
<https://protocol.blog.ir>
- [3] Faqih Habibi, Ali, (2015). International responsibility of governments due to environmental damage from war, scientific-promotional quarterly of international police studies, year 6, number 26"(Persian)"
<https://media.farsnews.ir/Uploaded/Files/Documents/1396/12/14/13961214000103.pdf>
- [4] Parvin, Khairullah; Aslani, Firoz; (2011). Principles and foundations of constitutional rights, Tehran University Publications, second edition. "(Persian)"
<https://www.hovalvakil.com/product/1511>
- [5] Bertero, Anthony, (۲۰۰۱). the ۲۰۱۱ tohoku Disaster and the nuclear incident at Bertero, fukushima: comparative review, historical analysis and assessment of the Japanese nuclear regime, international law research seminar.
<https://typeset.io/papers>

- [23] Hemti, Mojtabi (2017) Filing a claim for compensation for environmental damage in Iran's legal system, Judicial Legal Perspectives Quarterly, No. 81. "(Persian)"
https://jlvviews.ujss.ac.ir/article_703522.html
- [24] Bahrami Ahmadi, Hamid and Alam Khoani Azam, (2012). Reflection on the practical aspects of civil liability lawsuits against the government for environmental damages, Knowledge of Public Law, second year, number 5 "(Persian)"
<https://ensani.ir/fa/article>
- [25] Bahrami Ahmadi, Hamid and Alam Khoani Azam, (2012). Reflection on the practical aspects of civil liability lawsuits against the government for environmental damages, Knowledge of Public Law, second year, number 5 "(Persian)"
<https://ensani.ir/fa/article/370642>
- [15] Berta, Hernandez, Stephen, Powell, (۲۰۰۹). just trade: a new covenant linking trade and human rights, New York, NYU press.
<https://www.amazon.com/Just-Trade-Covenant-Linking-Rights/dp/0814736939>
- [16] Pring, George, & Catherine Pring, (2016), United Nations Environment Programme, Environmental Courts & Tribunals: A Guide for Policy Makers, Published by UN Environment.
<https://www.unep.org/resources/report/environmental-courts-tribunals-guide-policy-makers>
- [17] 24- Smith, John (2018), Environmental courts and tribunals: changing environmental and natural resources law around the globe, Journal of
<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/02646811.2018.1446404>
- [18] Robinson, Nicholas, (2012), Ensuring Access to Jus tice Through Environmental Courts, Pace Environmental Law Review, Vol. 29, Iss. 2.
<https://digitalcommons.pace.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1691&context=peir>
- [19] Rengarajan, Sridhar, Dhivya Palaniyappan, Purvaja Ramachandran, Ramesh Ramachandran, (2018), National Green Tribunal of India-an observation from environmental judgments, Environmental Science and Pollution Research, vol.25.
<https://link.springer.com/article/10.1007/s11356-018-1763-2>
- [20] Ramazani Qawamabadi and Javadmanesh, (2015). A comparative study of the scope of the concept of beneficiary in the filing of a Ramadan lawsuit of environmental consistency in the laws of Iran and the European Union, Public Law Studies Quarterly, Volume 46(4) "(Persian)"
<https://ensani.ir/fa/article>
- [21] Kaviani Rad, Murad, (2008). Judicial analysis of environmental hazards and ecological crises in Iran, Strategic Studies Quarterly, 13th year, number 2. "(Persian)"
https://quarterly.risstudies.org/article_882.html
- [22] Jafari Nadushan, Ali Akbar and Shirzad, Omid (2018). The structure and competence of quasi-semantic squares of quasi-judicial rights of Iran's water rights, Administrative Law Quarterly, 6th year, number 1. "(Persian)"
<https://qjal.smtc.ac.ir/article-1-374-fa.html>

Jalalian, A., Associate Professor, Department of law Payame Noor University, Tehran, Iran

✉ a.jalalian@pnu.ac.ir

 [0000-0003-4971-1543](https://orcid.org/0000-0003-4971-1543)

Akbari,M, Assistant Professor, Islamic Azad University, Zahedan branch, Zahedan, Iran

✉



Mirkazmi Mood,M.H., PhD student in public law, Islamic Azad University, Zahedan branch, Zahedan, Iran

این قسمت توسط نشریه تکمیل می گردد:



HOW TO CITE THIS ARTICLE

 <http://doi.org/10.52547/joc.16.61.1>
 <http://joc.inio.ac.ir/article-1-1824-fa.html>
 <https://orcid.org/0000-0003-4971-1543>



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.